

## دکتر کوین ای. فردریک، والدنسیان، سخنرانی ۷ بازگشت به حقیقت، زنان واعظ

کوین فردریک و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کوین فردریک است در تدریسش در مورد تاریخ والدوسیان. این جلسه هفتم است، بازگشت به حقیقت، واعظان زن.

موعظه امروز ما بازگشت به حقیقت نام دارد و به زنان والدوسیان و نقشی که در ایمان ایفا کردند می‌پردازد.

مطمئنم، در همان آغاز خدمتشان، در دوران خدمت والدو، مردان و زنان در قرن دوازدهم موعظه می‌کردند چرا اینطور است، و از کجا می‌توانیم از نظر کتاب مقدس، پایه و اساس درک زنان از نقش‌های رهبری را به دست آوریم؟ حتی در کلیسای اولیه، والدوسیان به چندین بخش نگاه کردند و من اکنون دو مورد از آنها را برای شما می‌خوانم. از مرقس ۱۶، هنگامی که سبت تمام شد، مریم مجدلیه، مریم مادر یعقوب و سالومه ادویه آوردند تا بروند و او را مسح کنند.

خیلی زود، روز اول هفته، وقتی خورشید طلوع کرد، به سر قبر رفتند. آنها از یکدیگر می‌پرسیدند که چه کسی سنگ را برای ما از جلوی قبر خواهد غلتاند؟ وقتی نگاه کردند، دیدند که سنگ، که بسیار بزرگ بود، از قبل غلتانده شده است. وقتی وارد قبر شدند، مرد جوانی را دیدند که ردای سفیدی بر تن داشت و در سمت راست نشسته بود و آنها نگران شدند.

اما او به آنها گفت: «نگران نباشید، شما عیسی ناصری مصلوب شده را می‌جوئید. او برخاسته است و اینجا نیست. ببینید، آنجا جایی است که او را گذاشته‌اند.»

اما بروید و به شاگردانش و پطرس بگویید که او پیش از شما به جلیل می‌رود. در آنجا او را خواهید دید همانطور که به شما گفته بود. پس آنها بیرون رفتند و از مقبره گریختند، زیرا وحشت و حیرت آنها را فرا گرفته بود.

و آنها به کسی چیزی نگفتند، زیرا می‌ترسیدند. و همه اینها به آنها دستور داده شده بود، آنها به طور خلاصه به اطرافیان پطرس گفتند. و پس از آن، خود عیسی از طریق آنها از شرق به غرب، اعلامیه مقدس و جاودانه نجات ابدی را فرستاد.

پس از برخاستن عیسی در سحرگاه روز اول هفته، ابتدا بر مریم مجدلیه که از او هفت دیو بیرون کرده بود ظاهر شد. مریم بیرون رفت و به کسانی که در حال سوگواری و گریه با او بودند، خبر داد. اما وقتی شنیدند که عیسی زنده شده و او او را دیده است، باور نکردند.

بنابراین، تمرکز آنجا در آن کتاب مقدس بر روی اعلام عیسی به مریم است که برو و به برادرانم بگو. و مطمئنم، در متن لوقا، می‌بینیم که عیسی به پیرو خود، مریم مجدلیه، توصیه می‌کند که برو و بگو. اما سپس به غلاطیان ۳، ۲۳ تا ۲۹ می‌رویم.

پیش از آمدن ایمان، ما تحت شریعت زندانی و تحت مراقبت بودیم تا ایمان آشکار شود. بنابراین، شریعت تا زمانی که مسیح بیاید، ما را تأدیب می‌کرد تا از طریق ایمان عادل شمرده شویم. اما اکنون که ایمان آمده است، دیگر تابع تأدیب نیستیم.

زیرا در مسیح عیسی، شما همگی به وسیله ایمان، فرزندان خدا هستید، چنانکه بسیاری از شما که در مسیح تعمید یافتید، خود را با مسیح پوشانیدید. بنابراین، دیگر یهودی یا یونانی، برده یا آزاد، مرد یا زن معنی ندارد، زیرا همه شما در مسیح عیسی یکی هستید.

و اگر شما به مسیح تعلق دارید، پس شما فرزندان ابرام هستید، وارثان طبق وعده. این کلام خداوند است. اگرچه زنان والدوسیایی بیش از ۵۰ سال آشکارا موعظه می‌کردند، اما تا نیمه دوم قرن سیزدهم، در نتیجه مستقیم آزار و اذیت‌های خشونت‌آمیز علیه زنان والدوسیایی توسط کلیسای روم، شروع به پذیرفتن نقش‌هایی کردند که کمتر برای دنیای بیرون قابل مشاهده بود، اما به همان اندازه برای زنده ماندن ایمانشان به عنوان یک جامعه از شاگردان ضروری بود.

را از آن می‌شناسیم، تمرکز [sorority] به معنای خواهر در لاتین]، که ما کلمه sorores در گروه‌هایی به نام آنچه که ما می‌توانیم انجمن، sorores. شاگردان زن والدنسیان تغییرات قابل توجهی به خود گرفتند. خواهران والدنسیان بنامیم، شروع به تمرکز مجدد بر خدمت خود پیرامون ایجاد شبکه‌ای از آسایشگاه‌ها در جامعه والدنسیان کردند. این آسایشگاه‌ها توسط زنان اداره و مدیریت می‌شدند تا مهمان‌نوازی را به فقرا، بیماران و زنان بی‌بضاعت ارائه دهند.

با گذشت زمان، در بسیاری از این آسایشگاه‌ها، انجمن‌های مذهبی شروع به فراهم کردن امکاناتی برای آماده‌سازی خادمان سیار والدنسیان، یعنی باربا، کردند و چیزی را آغاز کردند که پیش درآمدی بر حوزه‌های علمیه و مدارس والدنسیان شد. عنوان انجمن مذهبی، نقش مشارکت برابر زنان با مردانی را که وظیفه آشکارتر انتشار انجیل را بر عهده داشتند، منتقل می‌کرد. این نقش مشارکتی که در سازماندهی انجمن‌های مذهبی تجسم یافته بود، برای شهادت جامعه ایمانی والدنسیان ضروری بود و تا زمانی که سیستم مبلغان و انجیلی والدنسیان مبنی بر اعزام کشیشان در گروه‌های دو نفره به سراسر اروپا وجود داشت، حیاتی باقی ماند.

با این حال، با ظهور اصلاحات مذهبی در قرن شانزدهم، تغییرات اساسی که این اصلاحات در مسیحیت پروتستان به همراه داشت، و تأکید والدنسیان‌ها بر خدمت، به طور چشمگیری از یک شکل سیار تیشیر به خدمت به عنوان کشیش در جوامع ایمانی و عبادتگاه‌های جغرافیایی ثابت تغییر یافت. علاوه بر این، بلافاصله پس از پیوستن به جنبش اصلاحات، واعظان والدنسیان دیگر در مدرسه علمیه والدنسیان آموزش نمی‌دیدند بلکه به مدرسه و مدرسه علمیه در ژنو، سوئیس می‌رفتند. در نتیجه، خدمت روحانیان و حمایت و آموزش واعظان سیار والدنسیان، باربا، اهمیت خود را از دست داد.

و با این حال، امروزه هنوز هم رگه‌هایی از تأثیر سورورها را در تمرکز فعلی والدنسیان بر اهمیت آموزش کودکان و شهروندان، تأسیس فورستاریا، که همان مهمانسراها والدنسیان هستند، و تمرکز آنها بر خدمت به فقرا و حاشیه‌نشینان جامعه می‌یابیم. همه این مؤلفه‌های خدمت والدنسیان را می‌توان در تأکید بر خدمت سورورها ردیابی کرد. به عبارت مدرن، آنچه ما امروزه در کلیسای کلیسای این را می‌نامیم، خدمت‌های دیاکونال خواهد بود.

با در نظر گرفتن این پیشینه، اکنون به اواخر دهه ۱۹۴۰ می‌پردازیم. اندکی پس از پایان جنگ جهانی دوم، تغییرات جدید و یویایی بر کلیسای والدوسیای تأثیر گذاشت. اولین مورد، تغییر نقش زنان در جامعه بود، از خدمت اولیه به عنوان خانه‌دار به ورود به دنیای کار و حرفه و مشاغلی که به طور سنتی به عنوان کار مردانه تعریف می‌شدند.

دومین تغییر عمده‌ای که بر کلیسای والدنسیان تأثیر گذاشت، کاهش قابل توجه مردان علاقه‌مند به خدمت به عنوان کشیش بود. تا سال ۱۹۴۸، این مسائل به موضوعی تبدیل شد که در جلسه شورای کلیسای والدنسیان که هر ساله در ماه اوت برگزار می‌شد، مورد بحث قرار می‌گرفت. در نتیجه، از تاولا والدس، که

هیئت اداری کلیسای والدنسیان است، مشابه مجمع عمومی کلیسای پرسبیتی، برای اولین بار خواسته شد تا موضوع مشاغل زنان در حوزه کشیشی را بررسی کند.

اسناد مربوط به این روزهای اولیه مطالعه، سوگیری مردانی را که این تحقیق را انجام می‌دادند، آشکار می‌کند. تمرکز آنها نه بر برابری زن و مرد در خدمت، بلکه بر کاوش در استعدادها و خاصی بود که زنان برای انواع خاصی از وظایف خدمتی به ارمغان می‌آوردند. پروفیسور جیووانی میگه، از مدرسه علمیه والدنسیان در رم، به رهبری تیم مطالعاتی سه نفره منصوب شد که به آنها دستور داده شده بود تا به این سه موضوع خاص بپردازند: خدمات کمکی، خدمت زنان و مشارکت زنان در نهادهای حاکم بر کلیسای والدنسیان.

در یازده سال اول این بحث، تمرکز در شورای کلیسا و نوشته‌ها بیشتر بر خدمت زنان بود تا نقش زنان در خدمت. این تمایز ممکن است کمی مبهم به نظر برسد، اما این تأکید منجر به تقویت تعصبی شد که برخی از وظایف کم‌اهمیت‌تر خدمت، مانند نظارت بر مدرسه یکشنبه، فعالیت‌های جوانان، گروه‌های زنان، خدمات‌های ملاقات و برخی از امور اداری را به کارکنان زن کلیسا اختصاص می‌داد. از سوی دیگر، مردان روحانی منصوب بودند، کسانی که انجیل را موعظه می‌کردند، آیین‌های مقدس را اجرا می‌کردند و در تصمیمات اصلی کلیسا شرکت می‌کردند.

البته، این تقسیم کار فقط می‌توانست در بزرگترین کلیساهای والدنسیان امکان‌پذیر باشد. تمرکز این اختلاف به طور خودسرانه مانع از خدمت زنان در اکثر کلیساهای والدنسیان شد زیرا آنها برای حمایت از یک عضو کادر حرفه‌ای دوم بسیار کوچک بودند. تا سال ۱۹۵۴، شورای کلیسای والدنسیان نقش دستیاران کلیسا را پذیرفت و تأسیس کرد، زنانی که می‌توانستند با انجام خدمات ملاقات، آموزش مذهبی و خدمت زنان، با روحانیون مرد همکاری کنند.

به دلیل سوگیری فرهنگی که بر نقش زنان در خدمتگزاری تأثیر می‌گذارد، تمرکز بحث از نقش زنان در خدمتگزاری منصوب به موضوع قابل مدیریت‌تر نقش زنان در کلیسا، همانطور که توضیح داده شد، تغییر می‌کرد و بر نقش دستیاران کمکی زن در خدمت در کلیساهای بزرگتر والدنسیان تأکید می‌شد. به خاطر داشته باشید که در اواخر دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، همین نظرات به طور گسترده در مسیحیت اصلی در ایالات متحده مطرح بود. این تأکید، تمام بحث‌ها را در طول دهه ۱۹۵۰ از نقش زنان در خدمتگزاری منصوب منحرف کرد. به مدت ده سال، این موضوع در صحن شورای کلیسای در توره پلیچی، ایتالیا، که هر ساله در ماه اوت توسط گروهی از روحانیون و بزرگان مرد برگزار می‌شد، مورد بحث قرار می‌گرفت.

اغلب، بحث‌های کلیشه‌ای در مورد زنان و مخالفت با استعدادهای آنها به عنوان خادمان منصوب مطرح می‌شد و بدون چالش باقی می‌ماند، زیرا فقط مردان صحبت می‌کردند، حتی اگر یک زن نادر در حال مشاهده بحث بود. در اواخر دهه ۵۰، در یک جلسه شورای کلیسای، هشت زن حضور داشتند. آنها برای گوش دادن آمده بودند، اما پس از اصرار رهبران مرد کلیسا مبنی بر اینکه در مورد بحث نظر بدهند، دو نفر از زنان با تردید آمدند و ترس صحبت کردند.

غافلگیرانه، برای همه حاضران واضح بود که هیچ دیدگاه سازمان‌یافته و مدونی از زنان در مورد موضوعات مورد بحث وجود ندارد. آنچه مورد نیاز بود، یک موضع‌گیری منسجم در مورد این موضوع بود که بیانگر دیدگاه مورد توافق عموم زنان باشد. در اوایل سال ۱۹۴۹، پروفیسور میگه نوشت که او غلاطیان ۳۲۸ و اشاره آن، که در مسیح دیگر مرد یا زن وجود ندارد، را به عنوان یک اصل اساسی برابری می‌شناسد که بیان واضح روح انجیل را منتقل می‌کند.

میگ در گزارش سال ۱۹۴۹ خود نتیجه گرفت که کلیسا حق کامل، اگر نگوییم وظیفه، را دارد که درک ما از خدمت زنان را تنظیم کند و اصل مطلق برابری را در غلاطیان ۳۲۸ مطرح کرد. میگ در اینکه این نامه پولس

را محور الهیات پولس می‌دانست، درست می‌گفت. در غلاطیان، پولس یک فرمول غسل تعمید را بیان می‌کند که همه در زمان غسل تعمید خود دریافت می‌کنند. این تصویر خلقت جدید خدا در مسیح است، خلقت جدیدی که در آن وحدت، شکاف‌های اجتماعی را دگرگون می‌کند.

به گفته خود پولس، در مسیح، نه مرد وجود دارد و نه زن، نه یهودی و نه یونانی، و نه برده و نه آزاد. اگر به مسیح ایمان دارید، پس در مسیح ریشه دارید و به عنوان فرزندان خدا، به عنوان وارثان عهد، به مسیح تعلق دارید. در خلقت جدید مسیح، نقش‌های جنسیتی دیگر اهمیتی ندارند.

در جامعه مسیح، ایمان عامل هویت‌بخش است. اگر ما در مسیح هستیم، پس هر یک از ما خلقتی نو هستیم و هویت ما برابر با هویت فرزندان عهد است. پس از یک دهه مطالعه، تا اواخر دهه ۱۹۵۰، پروفیسور میگه این مسئله دشوار انتصاب زنان را از زوایای مختلف، از جمله از نظر کتاب مقدس، الهیات، تاریخ و بر اساس تجربه چند کلیسا در سراسر اروپا که زنان را در نقش‌های مختلف رهبری داشتند، بررسی می‌کرد.

میگه سرانجام از کلیسا خواست تا بر اساس تجربه، آزمایش و پیامدهای حضور زنان در خدمت را کشف کند. بنابراین در سال ۱۹۵۹، تابولا، هیئت مدیره کلیسای والدنسیان، این مسئولیت را به خانم کارمن تروپیا سپرد. چیترونی، که خود یک کارمند کمکی کلیسا بود، در حوزه علمیه رم تحصیل کرده بود و در طول ماه‌های تابستان مسئولیت کامل کلیسا را بر عهده داشت. این تجربه مثبت برای اعضای کلیسا و خانم تروپیا به عنوان مبنای برای تغییر بحث به سمت بررسی زنان در خدمت مقدس کلیسا عمل کرد.

در سال ۱۹۶۰، کنگره‌ای از فدراسیون زنان والدنسیان پیش از جلسه شورای کلیسا در ماه اوت برگزار شد. چند روز بعد، هنگامی که شورای کلیسا تشکیل جلسه داد، شورای کلیسا اولین نظر رسمی زنان را شنید که عملاً از نقش زنان در خدمت روحانی حمایت می‌کرد. اما همراه با این ارائه، در آن سال بحث جدی در مورد اینکه آیا کلیسای والدنسیان هنوز به نقش یک روحانی روحانی نیاز دارد یا خیر، مطرح شد.

ترکیب این دو موضوع، بحثی جدی در مورد ویژگی‌های مورد نیاز برای مقام کشیشی را به وجود آورد. از سال تا ۱۹۶۲، این بحث از صحن شورای کلیسا گسترش یافت و نظرات والدنسیان‌ها در کلیساهای محلی ۱۹۶۰، در سراسر این فرقه در ایتالیا را نیز در بر گرفت. هنگامی که شورای کلیسا در سال ۱۹۶۲ تشکیل جلسه داد، اعتراضات متنوعی از بحث‌های کلیساهای محلی مطرح شد، اما توسط شورای کلیسا مورد بررسی قرار گرفت.

یکی از اعتراضات مهم، نگرانی مطرح شده مبنی بر این بود که زنان در مراقبت از ارواح، بر مردان تسلط پیدا خواهند کرد. انجمن تاوولا که ۱۳ سال این موضوعات را مطالعه کرده بود، به این نگرانی پرداخت و اظهار داشت که اقتدار یک کشیش از اقتدار کتاب مقدس و با انجام وظیفه‌ی کشیشی ناشی می‌شود، نه از جنسیت یا شخصیت او. این اعتراض رد شد.

نگرانی دوم مطرح شده در کلیسا این بود که به دلایل اجتماعی و سبک زندگی، پذیرفتن مسئولیت‌های سنگین مقام کشیشی برای یک زن دشوار خواهد بود. تاوولا در پاسخ گفت که مردانی که به خدمت فراخوانده می‌شوند نیز با همان نوع مشکلات و انتخاب‌ها روبرو هستند. نگرانی سوم، مردانه شدن زنان در ایفای نقش‌های کشیشی بود و این نگرانی با این تشخیص که کلیساها نباید خدمت خود را در دست کشیشان متمرکز کنند، بلکه باید اعضای کلیسا را به طور مؤثرتری در تجسم کشیش بودن همه مؤمنان درگیر کنند، برطرف شد.

آخرین اعتراض مطرح شده ماهیت اقتصادی داشت. با توجه به اینکه مردان و زنان برای مناصب رهبری منصوب شده در رقابت خواهند بود، پاسخ تاوولا به ویژه جالب است. باور نکنید که باز شدن درهای کشیشی به روی زنان باعث افزایش تعداد کشیشان خواهد شد.

آنها در سال ۱۹۶۲ نوشتند که ما متقاعد شده‌ایم که زنان کشیش همیشه در اقلیت خواهند بود. پس از پرداختن به هر یک از این نگرانی‌ها در جلسه شورای کلیسای والدنسیان با اکثریت آرا به باز کردن درها برای انتصاب زنان رأی داد. در اوت ۱۹۶۷، دو کشیش زن والدنسیان که در حوزه علمیه آموزش دیده بودند، از جمله خانم کارمن تروپیا، به عنوان اولین کشیش منصوب شدند و شروع به خدمت به کلیساها کردند.

با اتصال خطوط تاریخی که در اسنادی که خواندم بیان نشده بودند، شروع به تعجب کردم که چگونه پروفیسور میگه به نقش زنان در دهه‌های اولیه جنبش والدنسیان به عنوان توجیهی برای انتصاب زنان به مقام کشیشی اشاره نکرده است. با این حال، متوجه شدم که تا سال ۱۹۶۲ اولین مطالعه در مورد کلیسای باستانی انجام نشده بود. بنابراین، این واقعیت که زنان در پایان قرن دوازدهم و آغاز قرن سیزدهم موعظه می‌کردند، ظاهراً تا دهه‌های اخیر توسط رهبری کلیسا ناشناخته بود.

به احتمال زیاد، در سال ۱۹۶۱، کل جامعه والدنسیان از این واقعیت افتخارآمیز میراث خود بی‌اطلاع بود. تحقیقات موضوعی در مورد زنان والدنسیان امروزه همچنان یک مطالعه علمی نسبتاً کمتر بررسی شده است. تأمل در این تاریخ نسبتاً ناشناخته، دو نکته را به ذهن متبادر می‌کند.

اول، اینکه نسل اول والدنسیان‌ها چقدر در پایبندی و عمل به کتاب مقدس، هدایت شده بودند، تا جایی که جرأت کردند آشکارا کلیسای کاتولیک روم را به چالش بکشند، در حالی که خودشان کتاب مقدس را تفسیر کرده بودند. دوم، من از اینکه چقدر طول کشیده تا محققان کتاب مقدس و رهبران کلیسا به شهادت پویای ایمان نسل اول مردان و زنان والدنسیان برسند، شگفت‌زده‌ام. هشتصد سال بعد، ما همان جهت‌گیری مترقی و ایمان‌محور را نسبت به این پیام انجیل اتخاذ کرده‌ایم که اجداد ایمانی ما مدت‌ها پیش آن را تشخیص داده بودند.

در این راستا، حقیقت خدا به کمال خود رسیده است. به نام پدر، و پسر، و روح القدس. این ادامه‌ی خطبه‌ای دربارهی واعظان زن و پاسخ کلیسای قرون وسطی به واعظان زن با عنوان «خفه شده توسط تحقیر» است.

از اوایل قرن دوازدهم، زنان والدوسیایی توجیهی برای موعظه از انجیل، از شاهدان کتاب مقدس مریم مجدلیه، نبیه آنا و دیگر شاگردان زن اولیه مانند پرسیلا و دورکاس یافتند. زنان از اوایل سال ۱۱۸۰ در اماکن عمومی انجیل را موعظه می‌کردند. به احتمال زیاد آنها قبل از آن زمان موعظه می‌کردند، اما در سال ۱۱۸۰ این تاریخی است که جفری اوسر، منشی اسقف کاتولیک برنارد کلروو، گزارشی نوشت و دو زن والدوسیایی را به دلیل موعظه در شهر کلرمون فرانسه و توهین علنی به اسقف برنارد کلروو محکوم کرد.

این دو زن به عنوان مرتد محکوم شدند و بعداً به عنوان فاحشه برجسب گذاری شدند. هنگامی که مردان و زنان والدوسیایی در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم موعظه می‌کردند، پیام آنها صریح بود. آنها اغلب کتاب مقدس را که به زبان مردم ترجمه شده بود، تلاوت می‌کردند و علناً مردم را به تقبیح گناه و توبه از گناهانشان ترغیب می‌کردند.

حتی این سطح ابتدایی از اعلام، طبق وفور گزارش‌های رسمی نوشته شده توسط و برای کلیسای روم از قرن دوازدهم، توسط کلیسای روم به عنوان یک تهدید جدی و حیاتی تفسیر می‌شد. این گزارش‌ها در طول پنجاه سال بعدی به طور قابل توجهی افزایش یافتند. جفری اوسر، واعظان زن در جامعه والدوسی را به سخره گرفت و آنها را با امثال پیامبر دروغین، ایزابل فاحشه، در کتاب مکاشفه برابر دانست.

این همان ایزابل پیر در کتاب پادشاهان است که با پادشاه اخاب ازدواج کرد، با پیامبر الیاس مخالفت کرد و پیرو سرسخت خدای بعل شد. جفری با استناد به دوم تیموتائوس ۳:۶، زنان را از صحبت کردن یا تدریس در

کلیسا منع کرد و آنها را زنانی بدبخت، بار گناهان، کنجکاو و پرحرف، گستاخ، بی‌شرمانه و گستاخ توصیف کرد که وارد خانه‌های دیگران می‌شوند. او مریم، مادر عیسی، را که همه چیز را در قلب خود در سکوت نگه می‌داشت، به عنوان الگوی کامل زنانگی معرفی کرد.

برنارد اهل فونتکود، مریم را الگوی کامل زنانگی توصیف کرد. از دهه ۱۱۸۰ تا اوایل دهه ۱۱۹۰، او به طور گسترده علیه واعظان زن والدنسی نوشت و با استناد به قانون کلیسا علیه هرگونه موعظه غیرمجاز افراد غیر روحانی، آن را نافرمانی از مقام کشیشی دانست. او گفت که با این متخلفان باید دجال رفتار شود و علناً طرد شوند.

والدوسیایان به متون متعددی از کتاب مقدس استناد می‌کردند که حق موعظه زنان را تأیید می‌کرد، مانند آن پیامبر در لوقا ۲، ۳۶-۳۸، در مراسم ختنه عیسی، که توسط والدوسیایان به عنوان مدافع واعظان زن ذکر شده است. برنارد در رد این ادعا می‌نویسد که آنها در معبد نبوت می‌کرد و موعظه نمی‌کرد، و به نوعی بین این دو تمایز قائل می‌شد. آزار و اذیت علیه والدوسیایان در قرن سیزدهم با سرعت فزاینده‌ای افزایش یافت.

سفر در قرن سیزدهم عمدتاً توسط تاجران، نوازندگان دوره گرد، فروشندگان و زنانی انجام می‌شد که هیچ گونه رفت و آمدی نداشتند. در اواسط قرن سیزدهم، آزار و اذیت زنان واعظ چنان رایج شده بود که این فشار زنان والدوسیایی را مجبور می‌کرد ایمان خود را در قالب‌های کمتر عمومی اما به همان اندازه پویای خدمت مذهبی ابراز کنند. کل جامعه والدوسیایی به این نتیجه رسید که برای مردانشان بسیار آسان‌تر است که در مکان‌های عمومی موعظه کنند بدون اینکه فوراً سوءظن ایجاد شود، زیرا آنها می‌توانستند به عنوان آرایشگر، پزشک، دستفروش و صنعتگر، حرفه خود را پنهان کنند تا هدف اصلی خود یعنی اعلام انجیل را پنهان کنند.

در نتیجه مستقیم آزار و اذیت‌های خشونت‌آمیز علیه زنان والدنسیان، آنها شروع به پذیرفتن نقش‌هایی کردند که کمتر برای دنیای بیرون قابل مشاهده بود، اما به همان اندازه برای شهادت آنها به عنوان یک جامعه از شاگردان ضروری بود. ما قبلاً به نقش انجمن‌های خواهران اشاره کردیم. با گذشت زمان در بسیاری از این آسایشگاه‌ها، انجمن‌های خواهران همچنین امکاناتی را برای آماده‌سازی کشیشان سیار فراهم کردند و چیزی را آغاز کردند که پیش درآمد حوزه‌های علمیه و مدارس والدنسیان شد.

این نقش مشارکتی برای شهادت جامعه ایمانی والدنسیان ضروری بود و تا زمانی که والدنسیان تا دهه ۱۵۳۰ کشیش می‌فرستادند، حیاتی باقی ماند. بنابراین، این خطبه‌ای را که چند لحظه پیش موعظه کردم، تکمیل می‌کند و فکر کردم اضافه کردن آن خوب است زیرا پیشینه تاریخی بیشتری از آن دوره زمانی ارائه می‌دهد.

این دکتر کوین فردریک در تدریس خود در مورد تاریخ والدنسیان است. این جلسه ۷، بازگشت به حقیقت واعظان زن است.